

مونوگرافی ایل الیکائی

دکتر محمدرضا مهرآئین *

اعظم قلبی بیگی **

چکیده

ایل الیکائی از ایل‌های ایران است که در استان سمنان واقع شده است. این ایل به علت شرایط آب و هوایی منطقه، نیمه کوچ‌رو است. در واقع قشلاق آن‌ها در شهرستان گرمسار به شکل دائمی و ییلاق آن‌ها در مناطق مختلف شامل استان‌های سمنان، تهران و مازندران است. این تحقیق با هدف معرفی جنبه‌های مختلف زندگی این ایل و شیوه‌های بهره‌برداری از مراتع و منابع، مشخص کردن تأثیر محیط جغرافیایی بر روند زندگی آنان، اعتقادات، تولیدها، آداب و رسوم و هنرهای ادبیات شفاهی انجام شده است. روش‌ها و تکنیک‌های مورد استفاده در این تحقیق ترکیبی از روش‌های اسنادی، مونوگرافی توصیفی بوده و تکنیک‌های آن عبارتند از مصاحبه، مشاهده و عکسبرداری، فیش‌برداری و کپی اسناد.

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که هر چند زندگی سنتی ایل در اثر تماس با جوامع یکجانشین، اسکان اجباری، سختی زندگی و عدم توجه به عمران آن دچار ضعف شده است، ولی هنوز هم در اثر ارتباط اهالی با محیط کویر، زندگی کوچ‌روی به صورت گریزناپذیری ادامه دارد و آنچه که مردم ایل را در این شرایط سخت به هم پیوند می‌دهد، اشتراک‌هایی مانند زندگی در کویر، اعتقادات، ریشه‌دار سنتی، آداب و رسوم، هنر و ادبیات شفاهی است که زندگی را برای آنان آسانتر نموده و در حقیقت باعث سازمان‌دهی در نظام تولید ایل و انسجام اجتماعی در بین مردم ایل می‌شود.

واژگان کلیدی

ایل، ایل راه، سیاه چادر، الیکائی.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک و آشنیان

** کارشناس ارشد مردم‌شناسی

مقدمه

ایل الیکائی بزرگترین گروه عشایری شهرستان گرمسار است. در زمینه سابقه تاریخی این ایل دو دیدگاه وجود دارد:

الف: علی کای، منسوب به علی کیای کرد سرگالش رمه شاه اردشیر؛

ب: الیکائی منسوب به الیکا محلی واقع در دره چالوس استان مازندران.

در دیدگاه اول گفته می‌شود که افراد ایل به صورت خانواده‌های پراکنده از زمان باستان در «خوار» (نام قدیم گرمسار) وجود داشته و در هر دوره‌ای بنا به اقتضای شرایط زمانی به شخص یا ایلی وابسته می‌شوند.

شخصی به نام علی کیا از خانواده کیائی‌های «خوار» به این خانواده‌های پراکنده انسجام می‌دهد و ایلی قدرتمند به وجود می‌آورد. پس از این که سلطان سنجر از ترکان غز شکست خورد، بیشتر امرای سلطان سنجر به شاه غازی، سعم بن علی نصرت الدوله پناه بردند. این شخص حاکم و مالک قلعه خوار به نام «استوناوند» بود و در خوار حکومت می‌کرد. بعد از شاه غازی، شاه اردشیر با اجازه اتابک ابوبکر سعد بن زنگی به خوار حمله کرد و قلعه استوناوند را که در دهانه حبله رود قرار داشت گرفت و در سال ۶۰۲ هجری شمسی فوت کرد. علی کیای کرد که سرگالش^۱ شاه اردشیر بود معاریف طبرستان را گرد آورد و به خدمت تکش برد و تکش به او دستور داد که مردمان سنگ مج^۲ را بیاورد و با آنها به قلعه «فلول»^۳ رفت و قلعه را به قهر به چنگ گرفت. تکش با مردم سنگ مج که علی کیائی کرد با خود آورده بود، قلعه استوناوند را نیز گرفت. (تاریخ طبری، ۲۶۱)

دیدگاه دوم منشاء ایل الیکائی را الیکا دانسته و معتقدند افراد این ایل از مازندران به گرمسار آمده‌اند. نگارندگان نیز معتقدند که طوایف شاه حسینی، گیلوری، عاشوری، قندالی، ابولی و قاسمی اصالتاً مازندرانی هستند و برخی آثار موجود استقرار آنها را از چند سده قبل در دشت خوار تأیید می‌نماید. (اسدی، ۱۳۶۴، ۱۳۳)

نویسنده سفرنامه مرو - هرات - مشهد در گذر از جلگه «خوار» می‌نویسد «جلگه خوار هم قشلاق پانصد خانوار اصائلو و سیصد تا چهارصد خانوار الاکائی (الیکائی) است.» (روشنی زعفرانلو،

۱- به معنی سرکرده چوپانان است.

۲- کسانی که از بندهای کوه بالا می‌روند.

۳- پلور

آلفونس گابریل در عبور از جنوب خوار در سال ۱۹۳۳ میلادی در شرح طوایف خوار می‌نویسد: سکنه خوار عشایر کوچ‌نشینانی از طوایف اصائلو و الیکائی بودند، از اوایل سال به کشت مزارع می‌پرداختند و با آغاز گرما به کوه‌های دماوند کوچ می‌کردند. خوار در تابستان ترک شده و خالی از سکونت است. غلات و پنبه در این میان به ثمر می‌رسد و توسط مردم که دوباره پائیز باز می‌گردند برداشت می‌شود.

بیان مسأله

زندگی متحرک و کوچ‌روی پیشینه‌ای کهن دارد که آغاز آن به ۸۰۰۰ سال پیش می‌رسد. تاریخ‌نگاران و نویسندگان قدیم ایرانی میان ایل و عشیره تمیز قائل نبودند، ولی امروزه مردم‌شناسان مفاهیم ایل و عشیره را از هم متمایز می‌کنند، فسائی (۱۳۶۸) ایل را به مردمی که در تمام سال در بیابان‌ها و چادرهای سیاه زندگی می‌کنند و از گرمسیر به سردسیر جابه‌جا می‌شوند اطلاق می‌کند و طایفه را برای مردمی که کوچ نمی‌کنند و از تیره‌های ایلات‌نشین هستند و در سیاه‌چادر یا دهات زندگی می‌کنند به کار می‌برد. این شیوه زندگی به اشکال مختلف از دیرباز در جهان برقرار بوده است ولی بهترین، مهم‌ترین و رایج‌ترین آن عبارت است از «نومادیسیم شبانی» که نسبت به سایر شیوه‌ها پیشرفته‌تر می‌باشد و عبارت است از شیوه زندگی متحرک سالیانه و موسمی که گروهی از مردم همراه با چارپایان خود از محل چادرها و اردوهای زمستانی تا چراگاه‌های تابستانی انجام می‌دهند. (نیک‌خلق، نوری، ۲۲، ۱۳۷۷) به هر ترتیب عشایر ایران در طول چند هزار سال گذشته نه تنها بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت را تشکیل می‌دادند، بلکه از لحاظ سیاسی و اقتصادی نیز نقش مهمی را عهده‌دار بوده‌اند، اما زندگی آنها در طول نیم‌قرن گذشته شدیداً دچار دگرگونی شده، به گونه‌ای که اکثر آنها زندگی عشایری را رها نموده و بقیه نیز با مسائل گوناگونی دست به گریبانند، لذا ضرورت بررسی و ریشه‌یابی مسائل و مشکلات این مردم به عنوان نوع سوم نظام زیستی پس از شهرنشینی و روستانشینی مطرح می‌شود. از جمله این مشکلات می‌توان به کمبود مراتع، مسدود شدن و تصرف ایل راه‌ها، عدم سوددهی دامداری سنتی، کاهش نیروی انسانی علاقمند به کوچ، غیر قابل تحمل بودن سختی‌های زندگی ایلی و به رسمیت نشناختن ایل به عنوان یک جامعه مستقل و برخوردار از حقوق سیاسی و اجتماعی اشاره نمود. «در نتیجه در طول قرن گذشته قدرت سیاسی و اقتصادی کوچ‌نشینان کاهش یافته است. کوچ‌نشینان در اواخر

دوره قاجاریه تقریباً یک چهارم جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند، اما اکنون تعداد آن به یک دهم جمعیت کاهش یافته است و امروزه کوچ‌نشینان نه تنها قدرت سیاسی گذشته را از دست داده‌اند، بلکه با مسائل و مشکلات گوناگونی چون کمبود مرتع، فقر اقتصادی، مسائل بهداشتی، مشکلات ایل راه‌ها و کوچ و ... مواجه می‌باشند و این سؤال پیش می‌آید، چرا و از چه زمانی این مشکلات شروع شده و چه عامل یا عواملی باعث پیدایش آنها گردیده است. «امان الهی، ۱۳۷۱، ۱۲۰-۱۱۹» هدف این پژوهش نیز شناخت کامل نظام اجتماعی و اقتصادی و زندگی ایلی و درک مسائل عمده عشایر است، با توجه به این‌که تحولات هدایت شده آینده زندگی بهتری را برای آنها فراهم خواهد آورد، سعی می‌شود تا واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این طایفه به همان صورت که هست مورد بررسی علمی قرار گیرد تا بتوان بر پایه آن برنامه‌ریزی‌های اجتماعی - اقتصادی و خط مشی‌های توسعه زندگی عشایری را مشخص کرد. هدف‌های ویژه تحقیق شامل توصیفی از شرایط معیشتی و چگونگی نحوه مشارکت‌های مردمی در امور مربوط به توسعه و احیاء مناطق عشایری و جلوگیری از مهاجرت آنها به شهرها و تعیین الگوی سکونت و دامداری آنها است. از جمله محدودیت‌های تحقیق بی‌سوادی و کم‌سوادی افراد ایل در پاسخ دادن به سؤالات و ترس آنها از گفتن پاسخ‌های واقعی بود، از دیگر محدودیت‌ها می‌توان کمبود منابع مکتوب در مورد تاریخچه ایل و پراکندگی آن، عدم همکاری سازمان‌های مرتبط و مشکلات مربوط به هزینه‌های رفت و آمد به استان‌های مورد نظر و نهایتاً عدم تمایل برخی از مصاحبه‌شوندگان و پاسخ‌گویان اشاره کرد.

مبانی نظری

والرشتاین در طرح جامعه‌شناسی تاریخی خود سه نوع جامعه را از هم تمیز می‌دهد:

- نظام‌های کوچک مبتنی بر بده و بستان.^۱
- امپراطوری‌های مبتنی بر توزیع مجدد.^۲
- اقتصاد جهان سرمایه‌داری.^۳

در این تیپولوژی نوع متعالی جامعه عشایری را می‌توان گونه‌ای از نظام‌های کوچک مبتنی بر بده و بستان تلقی کرد. این سیستم بر یک نوع اقتصاد، فرهنگ و سیاست بنا شده است. یعنی

1. Reciprocal Mini-System
2. Redistributive World Empires
3. The Capitalist World Economy

مونوگرافی ایل الیکائی ❖ ۳۵

اینکه تقسیم کار اجتماعی، ساخت‌های حکومت، ارزش‌ها، هنجارها و زبان کم و بیش یکسان می‌باشد. در این نظام پایهٔ تکنولوژیک رابطهٔ انسان با محیط ضعیف است. لذا کسب مازاد دشوار است. تقسیم کار اقتصادی محدود است و اقتصاد با قواعد بده بستان اداره می‌شود. جامعه از مجموعه‌ای کوچک از خانواده‌هایی تشکیل می‌شود که هر کدام برای نیازهای خود تولید می‌کنند. (جلبی، عبدالهی، ۱۳۷۰، ۴۹)

نظریهٔ کارکردگرایی نیز نظامی را ترسیم می‌کند که یک کل مانند ارگانیسم بدن انسان وجود دارد که دارای اجزا و سیستم‌های خرد است که یا با یکدیگر و یا با کل در ارتباط متقابل هستند. «منظور از کل مجموعه‌ای است از اجزائی خاص در کنار یکدیگر. در همین تعریف، مفهوم جزء و رابطه نیز مشخص می‌شود. در مفهوم ریاضی، رابطهٔ یک یا چند جزء با کل و رابطهٔ یک یا چند جزء با یک یا چند جزء دیگر، روابطی کارکردی هستند.» (فکوهی، ۱۳۸۱، ۱۵۸)

باید توجه داشت که موضوع کارکردگرایی فرد را شامل نمی‌شود بلکه جایگاه او را نسبت به کار یا وظیفه‌ای که دارد مطمح نظر قرار می‌دهد. «این سیستم خود مختصات و ویژگی‌هایی دارد و برای درک و شناخت کارکردهای ساختی باید اهداف و آثار و دامنهٔ تأثیرات آن را بشناسیم و بدانیم تأثیرات ساخت اجتماعی چگونه نمودار می‌شوند.» (توسلی، ۱۳۶۷، ۲۱۹)

این خلدون غرور قومی افراد قبیله را به خاندان و عصبیت از هر چیز دیگر در میان آنها مهم‌تر می‌شمارد و می‌گوید غرور قومی افراد قبیله که بنا بر پیوند خویشاوندی و خانوادگی در نهاد آنها نهفته است در برابر هر گونه ستم خود برانگیخته و آشکار می‌شود. (ابن خلدون، ۱۳۴۵، ۲۴۵)

پرسش‌های تحقیق

- ایل الیکائی از چه زمانی به وجود آمد؟
- محیط جغرافیایی در زندگی و روحیهٔ مردم ایل چه تأثیری داشته است؟
- نقش و کارکرد آداب و رسوم و هنر و ادبیات شفاهی در ایل چگونه است؟
- رابطهٔ بین انسان و دام در این ایل بر چه اساسی استوار است؟
- مسائل و مشکلات کوچ ایل الیکائی کدام است؟
- آیا تفاوتی بین اعتقادات و باورهای ایل الیکائی با دیگر ایل‌ها وجود دارد؟
- ریشه‌های باورهای عامیانه در ایل الیکائی کدام است؟

روش تحقیق

رهیافت تحقیق هم گذشته‌نگر و هم کنونی است، چرا که برای پی بردن به گذشته و تاریخ ایل و منشأ نژادی و پیدایش آنان از روش‌های گذشته‌نگر استفاده شده است و تحقیق توصیفی و مونوگرافی از وضعیت فعلی و مسائل و مشکلات و آداب و رسوم و باورها و اعتقادات با روش کنونی برگزیده گردیده است. پژوهشگر در روش مونوگرافی به مطالعه جامع یک اجتماع و یک امر اجتماعی نظیر خانواده، کارخانه، ده و ... می‌پردازد. نخست، توصیفی از وضع عینی و ظاهری و سپس، ابعاد ذهنی و پیچیده آن را به نگارش در می‌آورد. (ساروخانی، ۱۳۸۰، ۳۱۸)

به کار مشاهده‌ای که در پی توصیف کل مردم است قوم‌نگاری اطلاق می‌شود. «مطالعات قوم‌نگاری گروه‌های فرهنگی خاص به صورت مجموعه و جامعه‌ای از قوم‌نگاری‌ها از اواخر دهه ۱۹۳۰ به صورت بایگانی حوزه روابط انسانی گردآوری شده است. این مجموعه بنیانی است برای مطالعه‌های بین فرهنگی که به مقایسه فرهنگ‌های مختلف و اعمال فرهنگی مختلف و نیز مقایسه مطالعه‌های قوم‌نگاری یک فرهنگ خاص می‌پردازند. (بیکر، توزال، ۱۳۸۱، ۲۷۶-۲۷۵)

پژوهشگران میدانی در بیشتر موارد نیاز به این دارند که آمارهای سرشماری رسمی را با انواع دیگر مشاهده در اجتماع‌های مورد پژوهش، بازسنجی کنند. (پلتو، ژپرتی، ۱۳۷۵، ۱۶۸)

بنابراین روش‌های انتخاب شده ترکیبی است از روش‌های اسنادی، توصیفی، مونوگرافی و میدانی و از تکنیک‌هایی چون مشاهده، مصاحبه، فیش‌برداری از اسناد و مدارک و عکسبرداری استفاده شده است.

جامعه مطالعاتی (آماری)

از آنجا که ایل الیکائی ایلی نیمه کوچ‌رو هستند و در فصول مختلف در چند مکان مستقر می‌شوند در نتیجه مطالعه، محدود به مناطق بیلاقی و قشلاقی ایل شده است که شامل مسیر استان سمنان، مازندران و تهران می‌شود. در واقع حدود مطالعاتی در قلمرو بیلاقی و قشلاقی ایل محدود شده است، این قلمرو از ارتفاعات شمالی گرمسار تا ارتفاعات کوه‌های دیگر و دامنه‌های جنوبی این ارتفاعات که در شمال جاده اصلی تهران و مشهد است محدود و در استان‌های تهران و استان‌های فیروزکوه، دماوند و در استان مازندران به شمال سد لار و جبهه غربی قلعه دماوند و بخشی از لاریجان محدود است و در آرادان و مرکزی محدود شده است. تحقیق به صورت تمام‌شماری یا سرشماری انجام شده و فاقد نمونه می‌باشد.

جمعیت و وضعیت جغرافیایی

اطلاعات دقیق از حجم، حرکات و تحولات جمعیتی عشایر بسیار ناقص و مبتنی بر حدسها و تخمینهای غیر علمی است. تنها در برخی از سفرنامهها یا اسناد تاریخی به تعداد تقریبی جمعیت یا خانوارهای بعضی از ایلها یا طوایف اشاره شده است، به عنوان مثال جمعیت ایل الیکائی در سه سفرنامه مرو، هرات، مشهد ۴۰۰-۳۰۰ خانوار (زعفرانلو، ۱۲۹۳، ۹) و در جغرافیای مفصل ایران جلد سوم ۱۲۰۰ خانوار (کیهان، ۱۳۱۱، ۱۱) و در جغرافیای گرمسار ۱۲۰۰ نفر (اسدی، ۱۳۴۶، ۱۳۴) تمامی جمعیت ایل الیکائی تا اوایل سدهٔ اخیر کوچروی محض بودند. دامداران بیلاق و قشلاق می‌کردند. حتی کسانی که دام کمی داشتند، علاقمند به بیلاق و قشلاق بودند. آنها در تمام طول سال در سیاه‌چادرها به سر می‌بردند. در قشلاق نیز هر یک از تیره‌ها در محل استقرار خود موسوم به ابه سکونت داشتند، معدودی از آنها در قشلاق به کشت و کار زراعت شلتوک و پنبه اشتغال داشتند. ابه متشکل از چند یا چندین خانوادهٔ چادرنشین (سیاه‌چادر) که در کنار هم در چراگاه‌ها اردو زده‌اند، می‌باشد. (بلوکباشی، ۱۳۸۲، ۱۸ و ۱۷) جمعیت کوچروی ایل الیکائی در اولین سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده (۱۳۶۶) بالغ بر ۱۵۳۴ نفر در قالب ۲۵۱ خانوار سرشماری شده‌اند. در دومین سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده در سال ۱۳۷۷، جمعیت کوچروی عشایر الیکائی ۱۲۵۵ نفر در قالب ۲۷۵ خانوار گزارش شده است. جمعیت ایل الیکائی در حال حاضر طبق گزارش ادارهٔ کل ثبت و احوال استان (خرداد ماه، ۱۳۸۲) ۲۱۴۲۶ نفر می‌باشد.

آب و هوای گرمسار، گرم و خشک است، تغییرات فصلی آن خیلی زیاد و تابستان‌های این ناحیه بسیار خشک است و درجهٔ حرارت به بیش از ۴۵ درجهٔ سانتی‌گراد می‌رسد. این منطقه به علت کویری بودن، با ارتفاع ۸۴۶ متر از سطح دریا و به علت جغرافیای در معرض بادهای سوزان به ویژه باد سمبانی که از غرب می‌وزد، دارای تابستان‌های طولانی بسیار گرم است، چنانچه گرما به مدت تقریباً ۶ ماه (از اواخر فروردین ماه تا مهرماه) ادامه دارد. میزان بارندگی در گرمساری قشلاق بسیار کم و ناچیز است و عمدتاً در فصل زمستان و بهار نازل می‌شود. میانگین ۲۰ سالهٔ بارندگی در گرمسار (منطقهٔ قشلاقی) ۸۸ میلی لیتر است و ضریب تغییرات آن حدود ۶۷ درصد است.

میزان بارندگی منطقه قشلاق (گرمسار) در فصول مختلف

فصل	میزان بارندگی	درصد
زمستان	۶۰/۷	۵۰/۲۷
بهار	۲۹/۴	۲۴/۲۹
تابستان	۳/۴	۲/۸
پاییز	۲۷/۱	۲۲/۴۸

مناطق آبخیز حبله رود بر خلاف حوضه آبریز (گرمسار) دارای آب و هوای مرطوب و تابستان‌های خنک با ریزش‌های جوی نسبتاً زیاد در فصول مختلف می‌باشد. نمود بزرگترین شاخه حبله رود است و در حدود ۵۶ درصد آب آن را تأمین می‌کند. (عاشوری، ۱۳۶۵، ۴۶)

مراتع و پوشش گیاهی

مراتع قشلاقی از پایین دشت گرمسار شروع شده و دامنه آن به جنوب، مشرق و غرب کشیده می‌شود. جلگه گرمسار با شیب کم تدریجاً به کویر می‌پیوندد. مراتع کویری منطقه از لحاظ تولید علوفه فقیر است و دستیابی به مراتع مرغوب طبیعی آسان نیست. مراتع ییلاقی واقع در میان‌بند (کوه‌های شمال گرمسار و گیلور) با توجه به خصوصیات ژئومورفولوژیکی (نوع خاک این منطقه) دارای علف‌های متفاوت است، خاک‌های مراتع میان بند به دلیل وجود تشکیلات گچی و رگه‌های گچ‌دار نمکی به طور متناوب در پروفیل‌های مختلف دیده می‌شود. به همین دلیل از رستنی‌های طبیعی با پراکندگی زیاد برخوردار می‌باشد و ۴۰ هزار هکتار از مراتع شمال گرمسار را واقع در میان‌بند تشکیل می‌دهند و در اوایل بهار برای چرای دام‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در قشلاق قسمت عمده پوشش گیاهی از خانواده اسفنجیان است که نسبت به شوری مقاوم‌اند و از جمله آنان می‌توان از درخت گز و سالسولا، اسکنبیل، اشنان، کاروان‌کش و خارشتر نام برد. در مناطق ییلاقی نیز گون، قیاق، اسفند و اردواج از گیاهان عمده می‌باشند. (شاه‌حسینی، ۱۳۷۰،

۱۲۳-۱۲۹)

حرکت و اسکان (ایل راه و سیاهچادر)

جدای از مناطق مشخص گرمسیری و سردسیری، بخشی از مناطق ایلی هم به عنوان ایل راه مشخص گردیده که ایل راه هر کدام از طوایف و گروه‌های ایل معین و ثابت است. گاه در بعضی از مناطق ایل راه‌های متعددی وجود دارد که بنا بر شرایط جوی و مرتع، عشایر یکی از آن‌ها را جهت عبور انتخاب می‌کنند. گذر عشایر از ایل راه‌ها تابع قانون‌مندی‌های درونی ایل است. مثلاً اگر طایفه‌ای می‌خواهد از گرمسیر به سردسیر، از ایل راه بگذرد بیش از یک روز حق توقف و عبور از آن‌ها را ندارد، مگر اینکه مشکل خاصی پیش آید. ایل راه شریان اتصال ییلاق و قشلاق است که تحت تأثیر تجربه و تلاش عشایر اطراف آن شناسایی شده و هویت یافته است. این راه اغلب از مناطق شهری و روستایی عشایری متعدد و مختلفی می‌گذرد و به همین دلیل ممکن است عشایر مختلف وابسته به یک طایفه و ایل دارای ایل راه مشترکی باشند، به ویژه اینکه این راه‌ها در مناطق کوهستانی و در قلمرو ایل‌هایی که غالباً ایل راه‌های محدودی دارند واقع شده‌اند. «کوچ‌نشینان مجبورند طوری مسیر حرکت خود را برگزینند که به چراگاه‌های طبیعی دست داشته باشند و اغلب ترجیح می‌دهند از ده‌ها دوری کنند زیرا، صدمه‌ای که از عبور آنان به مزارع می‌رسد گاه موجب درگیری میان آنان و دهن‌نشینان می‌گردد.» (امان الهی، ۱۳۷۸، ۳-۲)

از آنجا که ایل الیکائی به سه منطقه مختلف کوچ می‌کنند ایل راه‌ها عبارتند از ایل راه «گشنیجک» که مسیر کوچ عشایری است و ییلاق آنها شرق رودخانه حبله رو (کوه‌های گیلور) است، از این مسیر در کوچ پاییزه استفاده می‌شود. ایل راه «سرحر» که از صعب‌العبورترین مسیرهای کوچ عشایری الیکائی است. برای عبور از بندر سرحر تا ارتفاع ۲۰۰۰ متر بالا می‌روند. این ایل راه مسیر کوچ عشایری است که ییلاق آن‌ها در ارتفاعات شمال گرمسار و محوطه مقابل البرز در دهستان‌های قزتانچای فیروزکوه و ابرشیده دماوند است. این راه «پی آب» بخش عمده یکی از مسیرهای کوچ عشایر الیکائی از ایستگاه نیکو تا روستای قلی جاره (پایین‌تر از ایستگاه زرین دشت) به طول ۵۰ کیلومتر در امتداد حبله رود قرار دارد.

مسکن اصلی عشایر ایران سیاهچادر است و خانه‌های عشایری و به تعبیری دیگر چادرهای عشایری اغلب از موی سیاه بز و توسط زنان پرتلاش و زحمت‌کش عشایری بافته می‌شود، سوار بر ستون‌هایی از چوب می‌شود که به وسیله میخ‌های چوبی مهار می‌گردد. داخل چادرها اغلب با دیوارهای پارچه‌ای یا حصیری که کار دیوار چادر را انجام می‌دهند همراه با نخ‌های رنگین پشمین تزیین شده و کف آنها اغلب توسط گلیم‌هایی که در خانواده بافته شده است، پوشانیده می‌شود. در

اطراف چادر اغلب جاجیم و گلیم‌های دستباف با نقش‌های هندسی بسیار زیبا بر روی رختخواب‌ها پهن شده و به داخل چادر زیبایی می‌بخشد. این چادرها به هنگام ییلاق و قشلاق به سادگی بسته‌بندی شده و در پشت قاطر و یا الاغ بسته شده و به مناطق دیگری حمل می‌شود. سیاه‌چادر دارای ویژگی‌های بسیاری است از آن جمله موی بز که خاصیت انقباض و انبساط دارد، یعنی در مواقعی که باران یا آب بر آن وارد می‌شود، منبسط شده و شبکه‌ها کاملاً بسته می‌شوند و در نتیجه باعث جلوگیری از نفوذ آب و سرما به داخل چادر می‌گردند و برعکس در مواقعی که هوا خشک و گرما رو به افزودن است تارها نازک شده و ایجاد شبکه‌های درشت غربال‌مانند می‌نماید و هوای خنک را به داخل سیاه‌چادر راه می‌دهد. عشایر الیکائی به سیاه‌چادر آلاچیق می‌گویند. درون آن با چیدن «بارچین» دو قسمت می‌شود، عقب چادر که «پی باره»^۱ نام دارد و جای زنان خانواده و انبارگران محصولات لبنی «باشرق»^۲ است. بخش پیشین یا جلو چادر مخصوص سکونت و پذیرایی از مهمانان می‌باشد و با گلیم و قالی و نمذ فرش می‌شود. در گوشه چادر اجاق کوچکی کنده شده است و پخت و پز و تهیه چای در آنجا صورت می‌گیرد. روی ستون وسط چادر روی چند ردیف سنگ قرار داده می‌شود. قسمت بعد توسط دیوار کوچکی به ضخامت و ارتفاع ۱۰ سانتی‌متر جدا شده و محل نگهداری بخشی از محصولات لبنی است. فضای اطراف سیاه‌چادر عبارتند از مله که محوطه جلو سیاه‌چادر است، در قسمت بالای مله (حیاط) مهیار کلگاه (اجاق) ساخته شده است:

۱- اجاق مخصوص پخت و پز غذا؛

۲- اجاق گرم کردن شیر؛

۳- اجاق گرم کردن دوغ؛

آن سوی حیاط با گل و سنگ سرپناهی ساخته‌اند که برای استحمام از آن استفاده می‌کنند، محل تهیه هیزم که سوخت اصلی عشایر است در آن طرف سرپناه است. تنور در ۱۰۰-۵۰ متری سیاه‌چادر قرار دارد و ممکن است ۲-۳ خانوار از یک تنور برای پخت نان استفاده کنند. (شاه‌حسینی، ۱۳۸۲، ۱۰۲)

1. Paybar

۱- باشرق کلمه‌ای ترکی به معنی پوشانده شده است که چون روی لینیات را با لعاف، جاجیم و گلیم می‌پوشانند به آن «باشرق» می‌گویند.

فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی * سال دوم * شماره ۱

سازمان تولید

تقسیم کار: زن در جامعه این ایل با توجه به مسؤولیت‌های گوناگونی که بر عهده دارد غالباً تا سن ۱۵ الی ۱۷ سالگی در کنار مادر کار می‌کند و آموزش می‌بیند و یاور مادر در اداره امور زندگی است، از سن ۱۷ سالگی به بعد به طور کلی نقش فعال و سازنده زن شروع می‌شود. زن از سن ۴۰ سالگی به بعد بیشتر نقش هماهنگی در امور خانواده را بر عهده دارد و اغلب اوقات خود را به نخریسی و پخت‌وپز می‌گذرانند. آنان به دلیل تلاش و سختی‌های بی‌شمار دوران نوجوانی و جوانی عموماً در این سن از کارافتاده شده و گاه با یک بیماری در اثر افراط در کار از بین می‌روند. به همین دلیل است که در ایل تعداد پیرمردان به مراتب بیشتر از تعداد پیرزنان است. با شروع فصل کوچ، زن با بسته‌بندی و جمع و جور کردن اسباب و لوازم زندگی زمینه‌های آغاز کوچ را مهیا می‌سازد، بعد از این کار کوچ آغاز می‌شود. کودکان عشایری از سن ۵ سالگی به بعد ضمن آنکه تحت حمایت خانواده و سرپرستی پدر و مادر بزرگ می‌شوند، کار و تلاش را هر چند کوچک شروع می‌کنند، از آن جمله پسر بچه‌ها در میان ایل از همان زمان کودکی کار چرانیدن بز، بزغاله و رمه‌ای که از گله به دلیلی جدا مانده است و بزغاله و بره، الاغ و قاطر را بر عهده می‌گیرند. هر چند این مسؤولیت چندان مؤثر و پرکاربرد نیست، اما مقدمه‌ای است بر آغاز کار و تجربه‌آموزی، در سنین بالاتر اغلب به همراه پدر که کار چرانیدن دام را بر عهده دارد، به دنبال او می‌روند و تا حد مقدور یاری‌رسان پدر می‌شوند، این کار جدای از پسر بچه‌ها گاهی با همراهی دختر بچه‌ها نیز انجام می‌شود.

کارهای تولیدی مردان فعالیت‌هایی را در بر می‌گیرد که منجر به تولید محصولات مادی می‌شود. این فعالیت‌ها شامل مجموعه فعالیت‌هایی است که در جهت اداره امور زندگی کوچ‌روی انجام می‌شود و شامل فعالیت‌های تولیدی مانند چرای دام و کشاورزی و فعالیت‌های غیر تولیدی مانند فروش محصولات دامی از قبیل دام زنده، پشم و موی دام، محصولات لبنی و صنایع دستی از قبیل قالی و قالیچه، گلیم و جاجیم و خورجین و ... می‌شود که از جمله کارهای مربوط به داد و ستد شود و نهایتاً تصمیم‌گیری در امور کوچ و امور خانوادگی نیز از مسؤولیت‌های مردان است.

سلسله مراتب چوپانی در ایل الیکائی یک نوع تقسیم کار در بین چوپانان ایل می‌باشد، این سلسله مراتب در حال حاضر به خاطر محدودیت دامداری سنتی و کاهش تعداد گله‌های دامداران باعث حذف یا ادغام برخی از مشاغل و مسؤولیت‌ها شده است، ترتیب این سلسله مراتب به صورت زیر است:

سلسله مراتب چوپانی در ایل الیکائی:

قشلاق: سربند، تلک‌دار، سوناگر، منزلبان، چیپکو

ییلاق: سربند، تلک‌دار، چارودار، مخته باد، دنبال‌ون

سرچیکو مسؤولیت چند گله را که متعلق به یک حشم‌دار می‌باشد به عهده دارد و تدارک نیازهای چوپانان، تعیین زمان کوچ، مسیر کوچ، انتخاب علفچه و ... را به عهده دارد. تلک‌دار یا سرچوپان مسؤولیت گله را بر عهده دارد. شناس یا سوناگر برای مدت ۴۵ روز که دوره زایش دام است استخدام شده و در پلومال ساکن می‌شود، اغلب تلک‌دارها وظیفه سوناگر را نیز انجام می‌دهند. چاروادارها در دوره ییلاقی، مسؤولیت نگهداری چارپایان برابر و سواری را بر عهده دارند، مخته‌باد عنوان فردی است که در دوره ییلاقی جهت انجام پاره‌ای از خدمات به استخدام عشایر در می‌آید. وظایف مخته‌باد را شیردوشی، تهیه لبنیات، جمع‌آوری هیزم، پشم‌چینی به طور کلی کارهای داخلی را تشکیل می‌دهد، دنبال زن یا منزلبان چوپان کم تجربه و کم سن و سالی است که یار دیگر چوپان اصلی یا تلک‌دار است، چیپکو به چوپان خردسالی گفته می‌شود که به سربند برای تدارکات تلک‌دارها کمک می‌کند. هنر قالی‌بافی نیز که به عهده زنان است نوعی دیگر از تصمیم کار است. (بیشتر اوقات هنر قالی‌بافی خانگی، تولید کالایی برای مصرف شخصی و در صورت لزوم برای فروش است.) (پرهام، ۱۳۴۷، ۱۵۲)

آداب و رسوم و ادبیات

در ایل زن نگرفتن و شوهر نکردن برخلاف عرف و قواعد اجتماعی است، بی‌زن و شوهر بودن زشت و عیب به شمار می‌رود. در فرهنگ مردم ایل طلاق یک پدیده زشت و ناپسند شمرده می‌شود و کمتر رخ می‌دهد مگر به شرایط خاص مانند بدرفتاری شدید و تحمل‌ناپذیر بودن شوهر و علیل و بیمار بودن او جدا شدن زن از شوهر جایز شمرده می‌شود. در روز شیرینی‌خوران فامیل و خانواده داماد به خانه عروس می‌روند و به همراه خود هدایایی را که از جمله کله‌قندی برای شیرینی و خوش‌کامی و چادری برای حجب و حیاء و سفیدبختی عروس و گوشواره‌ای را برای زینت به همراه می‌آورند. شیرینی‌خوران هم در قشلاق و هم در ییلاق می‌تواند انجام شود در این موقع اتاق یا چادر مردان و زنان جدا از هم است. از میان مردان بزرگ و ریش‌سفیدی از طرف فامیل شروع به صحبت می‌کند و مقدار مهریه و شیربها را مشخص می‌کنند. از آنجایی که شغل و زندگی اصلی مردمان ایل بر پایه دامداری است، بنابراین مهریه و شیربها را بیشتر دام در نظر می‌گیرند. بعد از

مونوگرافی ایل الیکائی ❖ ۴۳

توافق و اتمام صحبت میان دو طرف، ریش سفید کله قندی را وسط می گذارند و با قندشکن آرام بر روی آن می زند و می گوید نمی شکند، آنقدر این کار را انجام می دهد تا دیگران به خصوص پدر داماد و عروس پولی و تحفه ای را به او بدهند و بعد با قندشکن، محکم کله قند را می شکند و مبارکباد می گوید، بعد از شکسته شدن قند پسران و دختران جوان به دنبال قندها می روند تا هر کس مقداری از آن را برای خود بردارد، زیرا بر این باورند که شگون و بخت را زود به آنها می رساند. در این موقع شیرینی میان میهمانان پخش می شود. همچنین بعد از اتمام این کارها در اطاق و یا چادر زنان نیز زنی از طرف فامیل داماد، چادری را بر سر عروس می اندازد و با قیچی اندازه چادر را می برد. در ابتدا و نیز با گفتن نمی برد شروع می کند ولی به محض گرفتن پول و تحفه چادر را برش می زند و مادر داماد نیز گوشواره به گوش عروس خود می کند. در واقع گوشواره به گوش عروس کردن به معنی به خدمت گرفتن عروس می باشد و بدین ترتیب عروس را برای دامادشان به خدمت می گیرند.

زندگی عشایر با کار و تلاش در آمیخته و پیوندی محکم و ناگسستگی با آن دارد، مثل هر جامعه دیگر، کار و تلاش، علاوه بر ثروت مادی بخشی از فرهنگ آن ها را نیز تشکیل می دهد. اغلب فعالیت های روزانه و تکراری آنها با شعر و سرود و آهنگی موزون همراهی می شود. خواندن این اشعار و آوازه ها موجب می شود که کارهای دشوار هم راحت تر اجرا شوند و هم بخشی از فرهنگ و ارزش ها از نسل قدیم به نسل جدید انتقال پیدا کند. از مهم ترین ترانه ها، ترانه های مشک زنی است «در جامعه عشایری مهمان نوازی از فضایل بزرگ به شمار می رود. لذا مهمان مضمون پاره ای از ترانه های مشک زنی می گردد.» (فرهادی، مرتضی، ۱۳۷۲، ۸) در تهیه قره قروت، شیردوشی، قالی بافی، لالایی و نغمه های کنار گهواره نیز ترانه هایی خوانده می شود. ضرب المثل ها که بخش مهمی از فرهنگ عامه را تشکیل می دهد، گنجینه های گران قیمتی هستند که در طول سال های مستمادی ساخته و پرداخته شده و شکل گرفته اند. (پرتوی آملی، ۱۳۶۷، ۴۳) الیکائی ها دارای مثل های فراوانی هستند. کاربرد دقیق و به جای امثال برای انتقال مفاهیم مورد نظر همه آنها اعم از زن و مرد عشایری، روستایی و شهری امری رایج و مشهود است.

نتیجه

زندگی مردم کوچرو و نیز روابط سنتی آنها با جوامع یکجانشین در ایران، در نتیجه اقتباس تمدن غرب، اسکان اجباری، سنتی زندگی دگرگون شده و قدرت اقتصادی - اجتماعی و سیاسی گذشته را

از دست داده‌اند و اکنون به صورت قشری ضعیف و محروم به زندگی سنتی خود ادامه می‌دهند. ایل الیکائی به دلیل وسعت سرزمین، ضعف مراتع تابستانی، ازدیاد سرانه دام نسبت به مناطق دیگر، کمی آب آشامیدنی و غلبه آب شور در ناحیه کویری، تبخیر سالیانه، تغییرات جوی، توجه نکردن به عمران آن و پراکندگی گروه‌های طایفه‌ای از ایل‌هایی است که به، غلغل مذکور، مجبور به زندگی کوچ‌روی می‌باشد.

اعتقادات عامیانه به صورت سنتی از گذشته در میان افراد ایل رایج بوده است و سینه به سینه و نسل به نسل ادامه یافته تا به زمان حال رسیده است، در واقع اهالی و مردم ایل نیز خود نمی‌دانند که چرا برخی از کارها را باید انجام دهند، به این معنی که علت اصلی آن کار را نمی‌دانند، به عنوان مثال اطلاعی ندارند که چرا سنجاق‌های قفلی و یا میخ و سوزن و قیچی و چاقو باعث دور شدن جن و آل و امثال آن‌ها می‌شود و هیچ دلیلی برای آن ندارند و این اعتقادات برمی‌گردد به زندگی انسان‌های بدوی، چرا که آنها از خواص فلزات آگاهی کافی نداشته و بنابراین آن را شیئی ناشناخته و عجیب می‌دانستند، بنابراین به گمان خود فلزات از آنها در برابر خطرات حفاظت می‌کند و آن را به صورت مانائی در کنار خود قرار می‌دهند.

ضرب‌المثل‌ها نیز همچون شاخه‌های دیگر فرهنگ عامه با معیشت و محیط و مسائل اجتماعی مردم ایل در ارتباط است. مثل‌ها، جملات کوتاهی با مفاهیمی بلند و عمیق که با گذشت زمان در تبادل افکار و مراودات اجتماعی آبدیده می‌شدند هستند و به صورت راهنمای زندگی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

الیکائی‌ها بسیار مهمان‌نوازند و علاقمند هستند تا از شخص تازه‌وارد تا سرحد امکان پذیرایی نموده و رضایت او را جلب نمایند. خشکی هوا و اختلاف درجه حرارت شبانه‌روز، زندگی در بیابان‌ها و مبارزه با مشکلات طبیعی در روحیه و طرز فکر افراد ایل اثری عمیق برجای گذاشته است و الیکائی‌ها را طبیعتاً مردمی پرکار، پراستقامت و خشن بار آورده است، حفظ آداب و سنن قومی و حس استعانت و همکاری که ناشی از زندگی کویری است از اخلاقیات مردم این ایل است، الیکائی‌ها نسبت به امور مذهبی روشی اعتدالی و میانه‌رو را در پیش دارند. آداب و رسوم یکی از عوامل مهم وحدت بین افراد ایل به شمار می‌رود که از گذشته به جا مانده و طی قرون متمادی در بین اهالی ایل معمول است و هر یک از آنها نمودار بارزی از طرز فکر جامعه ایلی است. به عنوان مثال مراسم جشن ازدواج ایل علاوه بر جنبه تفریحی در بیداری حس وطن‌دوستی و سلحشوری افراد تأثیر بسزا داشته و صرف نظر از جنبه‌های ظاهری آن در برانگیختن روح معاضدت و همکاری

مونوگرافی ایل الیکائی ❖ ۴۵

مؤثر بوده و عامل بزرگی در پیروزی و رمز موفقیت در زندگی به شمار می‌رود. همچنین رقص‌های دسته‌جمعی نیز علاوه بر جنبه تفزحی روح انسجام و تشریک مساعی را در میان مردم ایل تقویت می‌نماید. مراسم مذهبی و اعتقادات نیز که در فواصل منظم و به صورت گوناگون عزاداری، سفره‌های نذری و ... باعث ارتباط نزدیک و همکاری مردم ایل با یکدیگر می‌شود. موسیقی و آوازهای محلی یکی از وسایل عمده انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر است و کارکرد آن‌ها در ایل الیکائی سازماندهی و نظم تولید است، این کاربرد موسیقی از مشک‌زنی، قالی‌بافی تا کشت محصولات کشاورزی اثربخش بوده و توان جمعی مردم ایل را برای ادامه کار، با نشاط و پرشوق نگه می‌دارد.

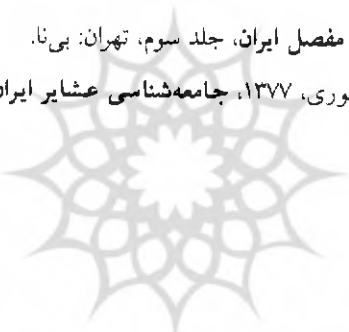
منابع و مأخذ

- ۱- اسدی، نوش‌آذر، ۱۳۴۶، نگاهی به گرمسار سرزمین خورشید درخشان، جلد دوم، نشر پازینه، چاپ اول.
- ۲- ابن خلدون، عبدالرحمان، ۱۳۴۵، مقدمه ابن خلدون، ترجمه پروین گنابادی.
- ۳- امان‌اللهی، اسکندر، ۱۳۷۱، مسائل و مشکلات کوچ‌نشینان از دیدگاه مردم‌شناسی، فصلنامه ذخایر انقلاب شماره ۱۸، انتشارات عشایری.
- ۴- امان‌اللهی، اسکندر، ۱۳۷۸، کوچ‌نشینی در ایران، تهران: آگاه، چاپ پنجم.
- ۵- بلوکباشی، علی، ۱۳۸۲، جامعه ایلی در ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول.
- ۶- پرتوی آملی، مهدی، ۱۳۶۷، ریشه‌های تاریخی امثال و حکم، جلد اول، تهران: سنائی.
- ۷- پرهام، باقر، ۱۳۴۷، طرح مسائل ایلات و عشایر از دیدگاه جامعه‌شناسی، تهران: آگاه.
- ۸- پلشو، ژ. پرتی، ۱۳۷۵، روش تحقیق در انسان‌شناسی، ترجمه هوشنگ ناییب، تهران: نی، چاپ اول.
- ۹- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۶۲، تاریخ طبری، جلد ۵، ترجمه پاینده تهران: اساطیر.
- ۱۰- توسلی، غلام‌عباس، ۱۳۷۶، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت، چاپ ششم.
- ۱۱- حسینی فسائی، حسن، ۱۳۶۸، فارس‌نامه ناصری، تهران: امیرکبیر.
- ۱۲- چلبی، مسعود، عبداللهی، محمد، ۱۳۷۰، اسکان عشایر از دیدگاه جامعه‌شناسی، بی‌جا: بی‌نا.
- ۱۳- روشنی، زعفرانلو، ۱۲۹۳، سفرنامه مرو و هرات، تهران: بی‌نا.
- ۱۴- ساروخانی، باقر، ۱۳۸۰، روش تحقیق در علوم اجتماعی، انتشارات مطالعات اجتماعی، جلد اول،

۴۶ ❖ مونیوگرافی ایل الیکائی

بی‌جا: شبیم.

- ۱۵- شاه‌حسینی، علیرشا، ۱۳۷۰، الیکائی‌ها عشایر نیمه‌کوچ‌نشین گرمسار، پایان‌نامه دوره لیسانس.
- ۱۶- عاشوری، اسماعیل، ۱۳۶۵، آب و مسائل گرمسار، مجموعه مقالات جغرافیایی شماره ۴، سازمان عشایری، چاپ اول.
- ۱۷- فکوهی، ناصر، ۱۳۸۱، تاریخ اندیشه‌ها و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نی، چاپ اول.
- ۱۸- فرهادی، مرتضی، ۱۳۷۶، ترانه‌های کار مشک‌زنی در روستای کمره خمین، راه دانش، شماره ۱۰-۹.
- ۱۹- کیهان، مسعود، ۱۳۱۱، جغرافیای مفصل ایران، جلد سوم، تهران: بی‌نا.
- ۲۰- نیک خلیق، علی‌اکبر، عسگری نوری، ۱۳۷۷، جامعه‌شناسی عشایر ایران، بی‌جا: چاپ پخش، چاپ اول.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی